



رویکرد شیخ صدوق به روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام

مطالعه‌ای در روش نقل و گزینش

امیر حسین دهقان انارستانی^۱

چکیده

نوشتار حاضر به تبیین روش شیخ صدوق در نقل و گزینش روایات تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام اختصاص یافته است. شیخ صدوق، با وجود تردید و ضعفی که نسبت به این منبع روایی وجود دارد، احادیثی را از این تفسیر با طریقی ضعیف نقل کرده است. مجموع این متون ۲۵ روایت است که با حذف موارد تکراری به ۱۴ روایت می‌رسد که ۱۳ روایت آن در مجموع ۱۰۱ روایت اول کتاب تفسیر وجود دارد. این احادیث، حاوی معارف اخلاقی، تفسیری، اعتقادی، فقهی و تاریخی است که در کتاب‌های التوحید، عیون اخبار الرضا، معانی الاخبار، الامالی، علل الشرائع، من لا یحضره الفقیه و صفات الشیعه نقل شده‌اند. بیشترین روایت، در عیون اخبار الرضا و کمترین روایت، در الفقیه و صفات الشیعه نقل شده است. از آن جایی که شیخ صدوق علیه السلام از محدثان به نام شیعی است، تحلیل عملکرد و شیوه مواجهه او با روایات یک منبع ضعیف می‌تواند نشانگر شیوه تعامل قدمایی با این گونه تراث باشد. نویسنده در این تحقیق پس از معرفی تفسیر و بیان اقوال در انتساب آن، به عملکرد شیخ صدوق در خصوص این تفسیر از جهت میزان نقل و رتبه منابع پرداخته است و در آخر به تحلیل شیوه گزینش شیخ صدوق نیز اشاره می‌کند. در نهایت به نظر می‌رسد رویکرد وی مبتنی بر گزینش محتوایی روایات بوده است. آنچه شیخ صدوق از این تفسیر نقل کرده، یا بخشی از آن دارای مشابه محتوایی است و یا از دسته منفرداتی است که تعارض و مخالفتی با منابع شیعی نداشته است. این نکته، از جمله مؤلفه‌های مهم شیخ صدوق در گزینش روایات تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام به شمار می‌آید.

رویکرد شیخ صدوق به روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام مطالعه‌ای در روش نقل و گزینش

۱. پژوهشگر علوم حدیث، مرکز تخصصی علوم و معارف حدیث حوزه علمیه قم.

Amirnoot۳۱۳.com@gmail.com

واژگان کلیدی

روش شیخ صدوق در گزینش روایات، مواجهه قدما با منابع ضعیف، عیون اخبار الرضا علیه السلام، روایات تفسیری، علوم و معارف حدیث

درآمد

تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام از جمله تفاسیری است که صحت انتساب آن به امام یازدهم و میزان اعتبار روایات آن مورد تردید برخی از محققان واقع شده است. با این حال، شیخ صدوق به عنوان یکی از محدثان به نام امامیه در هفت کتاب حدیثی خود، روایاتی را از این تفسیر نقل کرده است. سند وی در همه این روایات، همان سندی است که در ابتدای تفسیر، درج شده است.

نقل ۲۵ حدیث توسط شیخ صدوق از مجموعه روایات این کتاب، با سندی واحد که نشانه‌های ضعف در آن دیده می‌شود، می‌تواند محل تأمل و تحقیق قرار گرفته و منشأ طرح سؤالات زیر گردد:

- شیوه نقل شیخ صدوق از این منبع روایی چگونه است؟

- منابع حاوی این روایات، اجمالاً از چه درجه اعتباری برخوردار هستند؟

- شیوه گزینش شیخ صدوق از این منبع روایی بر چه اساسی استوار است؟

پیش از این، مقاله‌ای با عنوان «بررسی رجالی اسناد تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام از شیخ صدوق تا امام عسکری علیه السلام» توسط کاظم استادی نگارش یافته است. این مقاله، تنها به بررسی سند شیخ صدوق به تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام اختصاص یافته و تبیین عملکرد شیخ صدوق در گزینش روایات در دستور کار نویسنده قرار نگرفته است.

نوشتار حاضر با روش تحلیلی - توصیفی نگاشته شده است و سعی نویسنده بر این بوده که مطالب به دست آمده را در قالب نمودار و جداول آماری تنظیم کند.

الف) آشنایی با تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام

تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام یکی از تراث تفسیری مأثور شیعه است که به امام یازدهم انتساب دارد. این منبع روایی - تفسیری دربردارنده روایاتی در زمینه‌های مختلف معارف شیعی با محوریت آیات قرآن می‌باشد. درباره صحت انتساب این تفسیر و صحت روایات آن، میان علمای شیعه اختلاف نظر وجود دارد.

ابن غضائری، علامه حلّی، محقق تفرشی، علامه استرآبادی، محمد جواد بلاغی، علامه تستری، آیت الله خویی و سید محمد هاشم خوانساری صحت انتساب و اعتبار روایات این کتاب را نپذیرفته‌اند.^۲

در مقابل، محدثانی چون شیخ صدوق، ابو منصور طبرسی،^۳ قطب راوندی،^۴ ابن شهر آشوب، شهید ثانی، محمد تقی مجلسی، محمد باقر مجلسی، میرزا ابوعلی، وحید بهبهانی، حسین بروجردی، عبد الله مامقانی و میرزای نوری از این تفسیر نقل روایت کرده و یا به اعتبار آن تصریح نموده‌اند.^۵

بر اساس مقدمه کتاب، در زمان غلبه زیدیه بر استرآباد، گروهی از شیعیان از ترس جان، با اهل و عیال، کوچ کرده و به محضر امام حسن عسکری علیه السلام رسیدند. حضرت، ضمن توصیه به بازگشت آنها به وطن خود، به جماعت پناه آورنده فرمودند:

دو پسر خود را نزد من بگذارید تا به آنها علم بیاموزم.

این دو پسر که یعقوب و ابوالحسن نام داشتند، خدمت حضرت ماندند و مجموع روایات این کتاب را از حضرت روایت کردند.^۶

ب) تعامل شیخ صدوق با روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام

شیوه تعامل شیخ صدوق به عنوان یک محدث شناخته شده در مذهب امامیه، با روایات تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، علاوه بر تاثیر در اعتبار روایات نقل شده، می‌تواند نشانگر سبک مواجهه قدما با منابع محلّ تردید باشد.

۲. الرجال لابن الغضائری، ص ۱۱۰؛ خلاصة الاقوال، ص ۲۵۶؛ نقد الرجال، ج ۴، ص ۳۰۳؛ منهج المقال، ص ۳۱۵؛ رسالة حول التفسیر، ص ۱۳۶ - ۱۵۱؛ الاخبار الدخیله، ج ۱، ص ۱۵۲ - ۲۳۸؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۳، ص ۱۵۹؛ رسالة فی تحقیق فقه الرضا، ص ۷.

۳. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۵ - ۵۵.

۴. ن. ک: مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۶۱.

۵. معالم العلماء، ص ۳۴؛ منية المرید، ص ۱۹؛ روضة المتّقین، ج ۱۴، ص ۲۵۰؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۸؛ منتهی المقال، ص ۲۸۸؛ التعليقه علی منهج المقال للاسترآبادی، ص ۳۱۶؛ الصراط المستقیم، ص ۷۷ - ۷۸؛ تنقیح المقال، ج ۳، ص ۱۷۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۶۶۳.

۶. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۱۰.

در ادامه، پس از بررسی سند محمد بن علی ابن بابویه به روایات این تفسیر، به ارزیابی منابع شیخ صدوق که حاوی روایات تفسیر منسوب است و همچنین تحلیل سبک گزینش این دسته از روایات، توسط این محدث اشاره خواهد شد.

۱. سند شیخ صدوق به روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام

شیخ صدوق بر خلاف برخی از محدثان که از کتابی به نام تفسیر الامام یا تفسیر العسکری نام می‌برند، هیچ نامی از این کتاب نبرده است بلکه طریق خود به روایات کتاب را این گونه بیان کرده است:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْجُرْجَانِيُّ الْمُفَسِّرُ (رَحِمَهُ اللَّهُ) قَالَ:
حَدَّثَنَا أَبُو يَعْقُوبَ يَوْسُفُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ زِيَادٍ وَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ
بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَيَّارٍ وَ كَانَا مِنَ الشَّيْعَةِ الْإِمَامِيَّةِ عَنِ ابْنَيْهِمَا عَنِ
الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام.^۷

این طریق در منابع مختلف و در ابتدای نقل هر روایت از شیخ صدوق، گزارش شده است. سند یادشده از دو جهت قابل خدشه است:

۱/۱. ضعیف بودن محمد بن قاسم استرآبادی

محمد بن قاسم استرآبادی که شیخ صدوق با تعابیر مختلفی از او یاد می‌کند، از جمله راویانی است که در برخی منابع رجالی، تضعیف شده است. گرچه نجاشی و شیخ طوسی، هیچ اشاره‌ای به این راوی نکرده‌اند اما ابن غضائری وی را ضعیف و کذاب معرفی می‌کند.^۸ علامه حلّی^۹ و ابن داوود نیز پس از اشاره به نقل شیخ صدوق از او، در توصیف این راوی، از ابن غضائری تبعیت کرده‌اند. ابن غضائری معتقد است شیخ صدوق تفسیر ابی الحسن الثالث را از دو فرد مجهول نقل کرده است. او نام سهل دیباجی و پدرش را به عنوان جاعلان این کتاب ذکر می‌کند؛^{۱۰} در حالی که در هیچ یک از طرق تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام نامی از سهل دیباجی و پدرش وجود ندارد.

۷. التوحید، ص ۲۳۰؛ معانی الاخبار، ص ۴؛ الامالی، ص ۴.

۸. رجال ابن الغضائری، ص ۹۸.

۹. خلاصة الاقوال، ص ۲۵۶؛ رجال ابن داوود، ص ۵۱۰.

۱۰. رجال ابن الغضائری، ص ۹۸.

۲/۱. مجهول بودن دو راوی مستقیم از امام عسکری علیه السلام

یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن سیار به تصریح خطبه ابتدای کتاب،^{۱۱} دو راوی مستقیم از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام هستند. عبارت «عن ابویهما» و یا «عن ابیه» که در پاره‌ای از اسناد شیخ صدوق به چشم می‌خورد به معنای نقل این دو از پدرانشان نیست؛ بلکه به این معناست که این دو نفر، مذهب تشیع را از پدرانشان اخذ کرده بودند؛ چنانچه آقا بزرگ تهرانی این عبارت را از اضافات استرآبادی به جهت بیان تشیع این دو راوی از بدو تولّد عنوان کرده است.^{۱۲}

بنابراین می‌توان گفت که سند شیخ صدوق به روایات تفسیر مورد نظر، ضعیف است.

۲. ارزیابی منابع حاوی روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام

شیخ صدوق در مجموع ۲۵ روایت از این تفسیر را در منابع خود نقل کرده است. این روایات در هفت منبع التوحید، عیون اخبار الرضا، معانی الاخبار، الامالی، علل الشرایع، من لا یحضره الفقیه و صفات الشیعة آمده است. در این میان، عیون اخبار الرضا با هشت روایت در رتبه اوّل از جهت تعداد منقولات قرار دارد و کتاب الفقیه و صفات الشیعة حاوی کمترین روایات از این تفسیر است.

در این میان برخی روایات در دو یا چند منبع تکرار شده است. برخی از این روایات در دو منبع یکسان از جهت اعتبار کتاب‌محور قرار دارند و در پاره‌ای از مواقع، یک روایت از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام در منابعی با اختلاف اعتبار جای گرفته است.

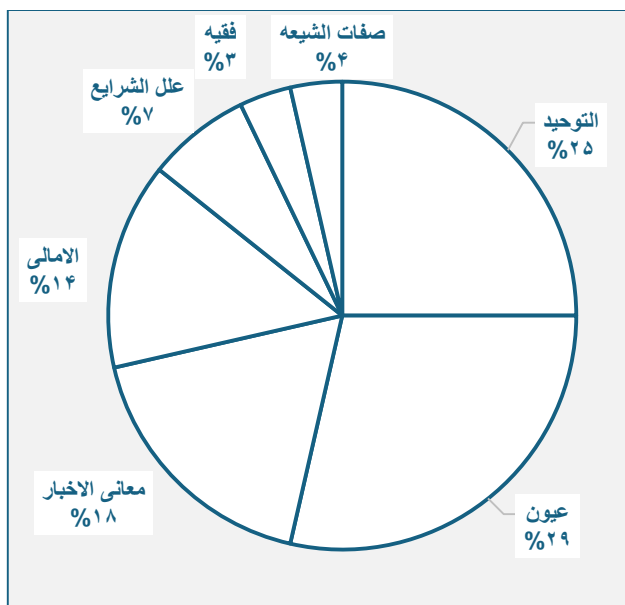
با تتبع در منابع و تخریج روایات می‌توان به ۱۴ روایت غیر تکراری دست یافت. درجه اجمالی اعتبار منابع، بر اساس اعتبارات تبیین شده توسط سید محمد کاظم طباطبایی در کتاب منطق فهم حدیث، لحاظ شده است. عملکرد شیخ صدوق در نقل روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام به شرح ذیل است:

۱۱. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۹.

۱۲. الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۲۹۳.

نام کتاب	تعداد روایت نقل شده	شماره روایت در تفسیر منسوب	آدرس روایت
عیون اخبار الرضا <small>علیه السلام</small>	۸	۱۰، ۱۱، ۲۰، ۲۲، ۳۰، ۷۲، ۹۹، ۳۰۴	ج ۱، ص ۳۰۱: ج ۱، ص ۲۸۲: ج ۱، ص ۳۰۵: ج ۱، ص ۲۹۱: ج ۱، ص ۳۰۰: ج ۱، ص ۱۳۷: ج ۲، ص ۱۲: ج ۱، ص ۲۶۶
التوحید	۵	۵، ۶، ۹، ۲۴، ۷۲	ص ۴۷ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۴۰۳
معانی الاخبار	۵	۵، ۶، ۲۰، ۲۲، ۳۲	ص ۴ و ۲۴ و ۳۳ و ۳۶ و ۳۹۹
الامالی	۳	۱۰، ۲۲، ۳۰	ص ۱۱ و ۱۷۴ و ۱۷۵
علل الشرایع	۲	۱۱، ۲۲	ج ۱، ص ۱۴۰: ج ۲، ص ۴۱۶
من لا یحضره الفقیه	۱	۱۱ (بخش دوم)	ج ۲، ص ۳۲۷
صفات الشیعة	۱	۲۲	ص ۴۵

فراوانی نقل شیخ صدوق در آثار گوناگون وی در نمودار زیر مشخص شده است:



هرچند جایگاه شیخ صدوق و ارزیابی منابع وی نشان می‌دهد که کتب او در منظومه احادیث شیعی از جایگاه مهمی برخوردار است اما اعتبار این منابع یکسان نیست. بر این اساس، لازم است رتبه منابع حاوی روایات تفسیر منسوب مشخص گردد تا تصویر واضحی از کیفیت آن چه شیخ صدوق نقل کرده است به دست آید.

ارزیابی منابع نشان می‌دهد از ۲۵ روایتی که شیخ صدوق از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام نقل کرده ۲۲ روایت در منابع رتبه «الف» و سه روایت در منابع رتبه «ب» جای دارد. البته این آمار به تنهایی نمی‌تواند اعتبار روایات را ثابت کند، ولی نشان‌گر روش مواجهه شیخ صدوق با این احادیث است.

برخی از روایات به صورت مشترک در دو منبع دارای رتبه «الف» و یا به صورت مشترک در دو منبع رتبه «الف» و «ب» نقل شده است. به عنوان مثال روایت «یا عبد الله احب فی الله و ابغض فی الله»^{۱۳} علاوه بر عیون اخبار الرضا^{۱۴} و معانی الاخبار^{۱۵} که در رتبه «الف» قرار دارند در «الامالی»^{۱۶} نیز تکرار شده که از منابع رتبه «ب» به شمار می‌رود. بنابراین با حذف

۱۳. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۴۹.

۱۴. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۹۱.

۱۵. معانی الاخبار، ص ۳۹۹.

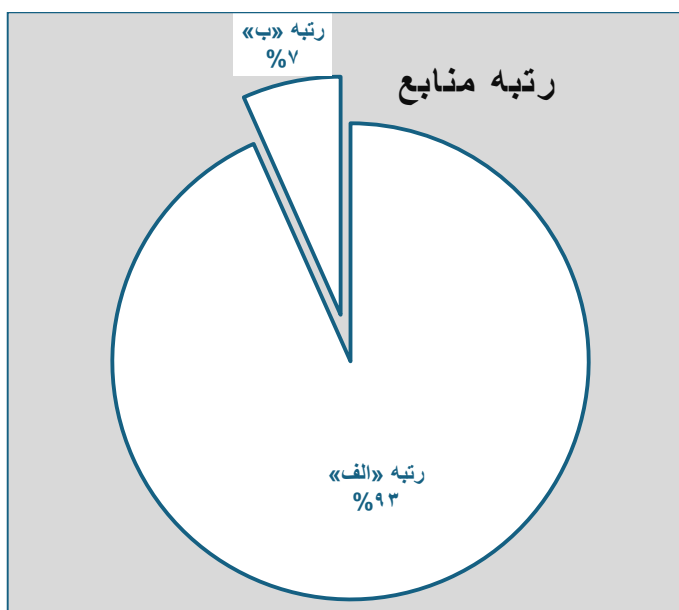
۱۶. الامالی، ص ۱۱.

روایات تکراری، شیخ صدوق در مجموع ۱۴ روایت از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام نقل کرده و با در نظر گرفتن تکرار روایت امالی در دیگر کتاب‌ها، همه روایات در منابع رتبه «الف» وجود دارند.

برای روشن شدن درجه اجمالی اعتبار منابع شیخ صدوق که در بر دارنده روایات تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام است، جدول زیر راهگشاست:

رتبه	نام منبع	رتبه	نام منبع
ب/۳	الامالی	الف/۳	من لا یحضره الفقیه
الف/۸	صفات الشیعه	الف/۶	التوحید
الف/۸	علل الشراعی	الف/۷	معانی الاخبار
---	---	الف/۸	عیون اخبار الرضا

با توجه به این که تنها یک روایت کتاب امالی از مجموعه روایات در رتبه «ب» جای گرفته است، با نگاه کتاب‌محور که پوشش دهنده بخشی از اعتبارسنجی حدیث است، می‌توان به تصویر روشنی دست یافت:



بنابراین بر اساس نگاه کتاب‌محور شیخ صدوق همه منقولات خویش از تفسیر منسوب به امام علیه السلام را در منابع دسته اول خود جای داده است. این نکته با در نظر گرفتن ضعف سندی روایات یادشده، قابل توجه و تاثر است.

۳. گزینش روایات تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام

این بخش سعی دارد تا روش گزینش روایت توسط شیخ صدوق را بررسی کند و به این پرسش، پاسخ دهد که آیا گزینش شیخ صدوق بر اساس مفاد و محتوای روایت بوده است یا خیر؟

بررسی روایات نشان می‌دهد آنچه شیخ صدوق از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام نقل کرده، یا دارای مشابه محتوایی است و یا اگر تشابه مضمونی با سایر روایات ندارد، با منظومه معارف شیعی در تعارض نیست. این سبک، با روش قدما در گزینش روایات سازگاری دارد.

روایاتی که شیخ صدوق از این تفسیر نقل کرده، دو گونه است:

- دسته اول روایاتی است که دست کم بخشی از آن دارای اعتضاد محتوایی از سایر منابع حدیثی شیعه است.
- دسته دوم منفرداتی است که با وجود انفراد، تعارضی با اصول و مبانی کلی مذهب شیعه ندارد.

این دسته‌بندی، نشانگر گزینش محتوایی شیخ صدوق از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشد. در ادامه، این دو دسته با روش تخریب در منابع حدیثی شیعه، ارائه می‌شود.

۱/۳. روایاتی که بخشی از آن تشابه محتوایی دارد

روایات ۵، ۶، ۱۱، ۲۰، ۲۲، ۲۴، ۳۰ و ۴۲ دارای مشابه محتوایی در مجموع روایات شیعه است.^{۱۷} همچنین یک روایت دارای مشابه لفظی است.^{۱۸} به جهت تبیین بهتر، تخریب هشت روایت ارائه می‌شود.

۱۷. ن. کن پژوهشی در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام.

۱۸. در روایت بیستم، از تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۴۴ عبارت: «قتلک الفئة الباغیه» در کتاب الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۸۲ و مجموعه ورام، ج ۲، ص ۹۸ نقل شده است.

– روایت پنجم

بر اساس شماره‌گذاری گروه تحقیقاتی مدرسه الامام المهدی پنجمین روایت از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام به تفسیر «بسم الله الرحمن الرحيم» اختصاص دارد.^{۱۹} تبیین لفظ جلاله «الله» و معنای «بسم الله» محتوای این حدیث را شکل می‌دهد. این روایت در هیچ یک از تراث روایی شیعه گزارش نشده است و اعتضاد محتوایی نیز ندارد. تنها دو صفت «المغیث» و «المجیب» در منابع روایی وارد شده که نمی‌تواند در برگیرنده محتوای روایت تلقی شود. شیخ صدوق در دو کتاب «التوحید» و «معانی الاخبار» این حدیث را نقل کرده است. حدیث یادشده سه محور دارد و هیچ تعارضی با قرآن کریم، تراث روایی شیعه، عقل و مسلمات مذهب ندارد؛ یعنی هیچ گونه ناسازگاری بین این متن با سایر تراث مذهبی مشاهده نمی‌شود. سه محور حدیث این شرح است:

محور اول: تفسیر آیه بسمله است. بر اساس آنچه شیخ صدوق از این تفسیر نقل کرده، «بسم الله» به معنای استعانت خواستن از خداوند متعال در جمیع امور است. این نکته گرچه به عنوان تفسیر «بسم الله» تنها در این مصدر روایی نقل شده است اما محتوای درخواست یاری از ذات باری تعالی با روایات دیگر سازگاری دارد.^{۲۰}

محور دوم: در صدد بیان این نکته است که هیچ کس جز خداوند متعال، استحقاق عبادت ندارد. این نکته نیز با مجموعه معارف شیعی تضادی ندارد بلکه مؤیداتی از احادیث دیگر آن را تأیید می‌کند.^{۲۱}

محور سوم: درباره پناه آوردن بندگان به سمت خداوند متعال به جهت بر طرف ساختن حوائج و به خصوص در زمان قطع امید از دیگران است. این محور از روایت نیز هیچ تنافی با قرآن، سنت، عقل و ... ندارد و عبارت «الْمُغِيثُ إِذَا اسْتُعِيثَ، وَ الْمُجِيبُ إِذَا دُعِيَ» نیز می‌تواند مؤیدی مانند آیه «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»^{۲۲} داشته باشد.

۱۹. الله هُوَ الَّذِي يَتَأَلَّهُ إِلَيْهِ عِنْدَ الْحَوَائِجِ وَ الشَّدَائِدِ، كُلُّ مَخْلُوقٍ وَ عِنْدَ انْقِطَاعِ الرَّجَاءِ مِنْ كُلِّ مَنْ دُونَهُ وَ تُقَطَّعُ الْأَسْبَابُ مِنْ جَمِيعِ مَنْ سِوَاهُ، فَيَقُولُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، أَمْي أَسْتَعِينُ عَلَى أُمُورِي كُلِّهَا بِاللهِ الَّذِي لَا تَحْقُقُ الْعِبَادَةُ إِلَّا لَهُ، الْمُغِيثُ إِذَا اسْتُعِيثَ، وَ الْمُجِيبُ إِذَا دُعِيَ.

۲۰. الكافي، ج ۹، ص ۴۱۴؛ تحف العقول، ص ۸۸؛ مصباح الشريعة، ص ۵۸.

۲۱. صحيفه سجاديه، دعای ۴۵، ص ۲۰۰.

۲۲. غافر، ۶۰.

- روایت ششم

این حدیث درباره پرسش فردی از وجود خداوند است. امام علیه السلام با طرح این سؤال که آیا بر کشتی سوار شده است یا خیر؟ پاسخ او را می‌دهند. این داستان و عبارت پرسشگر و امام صادق علیه السلام برای اولین بار در این منبع روایی حکایت شده است؛ اما دو عبارت ذیل حدیث در منابع شیعه دارای مشابه است.

نخست این تعبیر است:

قادر علی الانجاء حین لا منجی.

محتوای این عبارت، قدرت خداوند در نجات بندگان را در زمانی که غیر از او نجات دهنده دیگری وجود ندارد، نشان می‌دهد. این محتوا در فقه منسوب به امام رضا، تفسیر قمی، کامل الزیارات، من لا یحضره الفقیه، توحید صدوق، طب الائمه، المقنعة، تهذیب الاحکام، مصباح المتهجد، مکارم الاخلاق، اقبال الاعمال، جمال الاسبوع، الدرود الواقیة، مهج الدعوات، فلاح السائل، ارشاد القلوب، البلد الامین، مصباح کفعمی و مفتاح الفلاح آمده است.^{۲۳}

دوم، این تعبیر است:

علی الاغاثة حین لا مغیث.

این عبارت از جهت محتوایی در منابعی مانند علل الشرایع، مصباح المتهجد، المزار الکبیر، اقبال الاعمال، جمال الاسبوع، المزار شهید اول، ارشاد القلوب، البلد الامین و مصباح کفعمی وجود دارد.^{۲۴}

۲۳. الفقه المنسوب الی الامام الرضا علیه السلام، ص ۱۰۴؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۱؛ کامل الزیارات، ص ۲۲۴، ح ۱۷؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۴۷۰، ح ۱۳۵۱؛ التوحید، ص ۲۳۹، ح ۱؛ طب الائمة، ص ۳۱؛ المقنعة، ص ۱۰۴ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۷۷ و ۴۲۵؛ تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۱۶ و ۳، ص ۷۵، ح ۲۰۳؛ مصباح المتهجد، ج ۱، ص ۳۶ و ۱۱۲ و ۱۲۰ و ۱۲۲ و ۲۹۹ و ۵۴۷؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۸۸ و ۴۴۳؛ اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۹ و ۵۵ و ۲۲۵ و ۳۳۰ و ۳۶۷ و ۳۷۷ و ج ۲ ص ۵۴۸؛ جمال الاسبوع، ص ۲۶۰؛ الدرود الواقیة، ص ۱۹۹ و ۲۵۵؛ مهج الدعوات، ص ۱۳۶ و ۲۲۲ و ۲۲۵ و ۲۹۹؛ فلاح السائل، ص ۱۳۲ و ۱۴۶ و ۲۵۴ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۸۶؛ ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۶۹ و ج ۲، ص ۳۵۶؛ البلد الامین، ص ۷ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۱۰۱ و ۳۲۸ و ۳۸۲ و ۳۹۲ و ۴۰۵؛ المصباح للكفعمی، ص ۱۵ و ۴۳ و ۴۷ و ۱۰۲ و ۱۵۵ و ۲۱۶ و ۲۵۲ و ۲۷۸ و ۵۶۶ و ۶۶۱؛ مفتاح الفلاح، ص ۲۶۳ و ۲۷۴.

۲۴. علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۳۱، ح ۱؛ مصباح المتهجد، ج ۲، ص ۷۷۹؛ المزار الکبیر لابن المشهدی، ص ۲۲۴؛ اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۶۲۰؛ جمال الاسبوع، ص ۵۹؛ المزار للشهید الاول، ص ۵۸، ح ۱۰؛ ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۶۹؛ البلد الامین، ص ۱۰۶ و ۲۷۲ و ۴۰۷؛ المصباح للكفعمی، ص ۲۵۴ و ۴۸۷.

- روایت یازدهم

این روایت دارای چهار فراز است. در فراز اول آمده:

عرف عباده بعض نعمه ... لانتها اکثر من ان تحصی او

تعرف.^{۲۵}

این جمله‌ها بر غیر قابل شمارش بودن نعمت‌های الهی دلالت دارد. چنین محتوایی در مصباح الشریعة، المقنعة و اقبال الاعمال نیز وجود دارد.^{۲۶}
فراز دوم حدیث، چنین است:

ان فضل آل محمد علی جمیع آل النبیین کفضل محمد علی جمیع

المرسلین.^{۲۷}

در این بخش، فضل اهل بیت علیهم‌السلام بر خاندان انبیاء معادل فضل پیامبر بر همه رسولان دانسته داده شده است. قسمت نخست این فراز با برخی روایات تأیید می‌شود. به عنوان مثال، پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پس از بیان فضل خود بر جمیع انبیا و رسولان، صاحب این فضیلت پس از خود را امیر المومنین و امامان معصوم علیهم‌السلام می‌داند.^{۲۸} بخش دوم این فراز که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را افضل بر همه انبیاء می‌داند دارای مشابهات محتوایی است. تفسیر فرات کوفی، خصال، عیون اخبار الرضا و فضائل الاشهر الثلاثة^{۲۹} از جمله منابعی هستند که در بردارنده شواهدی از محتوای یادشده هستند. در برخی از این منابع مانند خصال، فضل پیامبر بر همه مخلوقات ذکر شده که فضیلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر انبیا را هم در بر می‌گیرد و برخی منابع مانند روایت منقول در عیون اخبار الرضا علیهم‌السلام^{۳۰} دارای عباراتی صریح‌تر است.

۲۵. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام، ص ۳۰.

۲۶. مصباح الشریعة، ص ۱۸۱ با عبارت: «و نعمائه من حیث لا تحصی و لا تعد؛ المقنعة، ص ۴۱۱ با عبارت: «الحمد لله علی نعمائه التي لا تحصی بعدد.» اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۶۵ با عبارت: «الحمد لله علی نعمائه التي لا تحصی بعدد.»

۲۷. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام، ص ۳۱.

۲۸. عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶۲، ج ۲۲ با عبارت: «و فَضَّلَنِي عَلَى جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْفَضْلُ بَعْدِي لَكَ يَا عَلِيُّ وَ لِلْأُمَّةِ مِنْ بَعْدِكَ.»

۲۹. تفسیر فرات کوفی، ص ۷۵؛ الخصال، ج ۲، ص ۴۱۳؛ عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۲۶۲، ج ۴۹؛ فضائل الاشهر الثلاثة، ص ۱۳۹، ج ۱۴۹.

۳۰. و فضلتی علی جمیع النبیین و المرسلین.

در فراز سوم حدیث آمده است:

فقد استجبت لكم من قبل ان تدعوني.^{۳۱}

محتوای این بخش، استجاب دعا پیش از خوانده شدن توسط بندگان است. این محتوا با دعایی که کفعمی در کتاب «مصباح»^{۳۲} از مقاتل بن سلیمان نقل کرده، تأیید می‌شود. در بخشی از این دعا آمده است:

الهی اذا لم ادعوك فتستجيب لی.

بر اساس این خطاب دعایی، خداوند متعال دعای بندگان را حتی پیش از خوانده شدن توسط آنها اجابت می‌کند و به این صورت، محتوای پیش گفته تأیید می‌شود.

فراز چهارم حدیث، چنین است:

من لَقِنِي منكم بشهادة ان لا اله الا الله وحده لا شريك له

۳۳...

در این فراز، سه عامل به عنوان عوامل ورود به بهشت معرفی شده است؛ شهادت به یکتایی خداوند متعال، نبوت پیامبر اسلام و ولایت اهل بیت علیهم السلام به همراه التزام به اطاعت از آنها و ملاقات کردن خداوند با این حالت، موجب بهشتی شدن مؤمن می‌شود، اگرچه گناهان بسیاری داشته باشد.

فارغ از اینکه التزام به طاعت خداوند با کثرت گناهان چگونه هم‌خوانی دارد اما محتوای برخی از عبارات این روایت در تعدادی از منابع به چشم می‌خورد. محتوای «تأثیر شهادت به یگانگی خداوند بر بهشتی شدن و ایمنی از عذاب اخروی» در کتاب دعائم الاسلام^{۳۴} و امالی طوسی^{۳۵} نقل شده است. بر اساس این دو روایت، اگر کسی آخرین سخنش، شهادت به یگانگی

۳۱. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۳۳.

۳۲. المصباح للكفعمی، ص ۲۹۲.

۳۳. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۳۳.

۳۴. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۹ با عبارت: «من ختم له بشهادة ان لا اله الا الله دخل الجنة».

۳۵. الامالی للطوسی، ص ۵۸۹، ح ۱۲۲۰ با عبارت: «من لَقِنِي منكم بشهادة ان لا اله الا الله مُخلصاً بها، انه قد دخل جصنی، و من دخل جصنی امن عذابی».

خداوند باشد و با این حال خداوند را ملاقات کند از عذاب الهی در امان است و وارد بهشت می‌شود.

نسبت به بخش دوم این فراز نیز حدیثی مشابه وجود دارد. بر اساس روایتی که در مجموعه ورام^{۳۶} نقل شده، هر کسی خداوند را با شهادت به یگانگی او و «مخلصا» ملاقات کند از عذاب الهی در امان است. مراد از کلمه «مخلصا» در این عبارت، بر اساس آنچه در ادامه حدیث آمده، طاعت خداوند، رسول خدا و امامان علیهم‌السلام است. شایان ذکر است که روایت مجموعه ورام محتوای بخش اول فراز را نیز در بر می‌گیرد.

- روایت بیستم

این حدیث بیانگر توجیه باطل معاویه در خصوص حدیث «تقتلک الفئة الباغية»^{۳۷} پس از شهادت عمّار یاسر به دست لشکر شام است. ذکر ایجاد شکاف در لشکر معاویه به واسطه این حدیث، گزارش عمرو عاص به معاویه و توجیه او در خصوص محتوای این حدیث، در برخی منابع شیعه مانند الاحتجاج طبرسی و مجموعه ورام به صورت مرسل از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است.^{۳۸} همچنین این واقعه در مصنف عبد الرزاق، مصنف ابن ابی شیبّه و مسند احمد که از منابع اهل سنت است، دیده می‌شود.^{۳۹}

- روایت بیست و دوم

این حدیث، دو فراز دارد. در فراز اول آمده است:

فأنته ما من عبد ولا امة والی محمدًا و آل محمد ...^{۴۰}

بر اساس این روایت، اگر بنده‌ای ولایت اهل بیت علیهم‌السلام را داشته باشد و با دشمنان آنها دشمنی کند از عذاب الهی ایمن خواهد بود. این محتوا در امالی صدوق، عیون اخبار الرضا، معانی الاخبار و شواهد التنزیل وجود دارد.^{۴۱}

۳۶. مجموعه ورام با عبارت: «مَنْ لَقِنِي مِنْكُمْ بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُخْلِصًا بِهَا فَإِنَّهُ قَدْ دَخَلَ حِصْنِي وَ مَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ عَذَابِي. قالوا: يا ابن رسول الله، ما إخلاصُ الشَّهادَةِ؟ قال: طاعةُ اللهِ وَ رُسولِهِ وَ ولایَةُ أَهْلِ بَيْتِهِ».

۳۷. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام، ص ۴۶.

۳۸. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۸۲؛ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۹۸.

۳۹. مصنف عبد الرزاق، ج ۱، ص ۲۴۰؛ مصنف ابن ابی شیبّه، ج ۷، ص ۵۴۸؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۱۶۱.

۴۰. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه‌السلام، ص ۴۸.

۴۱. الامالی للصدوق، ج ۲۳۵، ص ۹ با عبارت: «ولایة علی ابن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی»؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۴۹، ح ۱۹۱؛ معانی الاخبار، ص ۳۷۱، ح ۱؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۷۰.

فراز دوم این حدیث چنین است:

یا عبد الله احبّ فی الله و ابغض فی الله و وال فی الله و عاد

فی الله. ۴۲

محتوای بخش اول این فراز که بیانگر ضرورت دوست داشتن و دشمنی کردن برای خداوند است در محاسن برقی مشاهده می‌شود. مؤلف محاسن، بابی را به این عنوان اختصاص داده و در آن روایاتی با همین محتوا آورده است. ۴۳ بخش دوم این فراز که امر به دوست داشتن و دشمنی داشتن برای خداوند با عبارتی متفاوت می‌باشد با حدیث زیر تأیید می‌شود:

ولّی هذا ولیّ الله فواله و عدوّ هذا عدوّ الله فعاده. ۴۴

بر اساس این حدیث، دوست داشتن و دشمنی با امیر المؤمنین علیه السلام، دوست داشتن و دشمنی کردن با خداوند است که محتوای روایت پیش گفته را تأیید می‌کند.

- روایت بیست و چهارم

از این حدیث، دو فراز دارای مشابهاتی است. بخش نخست این حدیث در کتاب‌هایی مانند الغارات، تفسیر فرات کوفی، غرر الحکم، عیون اخبار الرضا، نهج البلاغه و امالی طوسی آمده است. ۴۵

بخش دوم حدیث، چنین است:

فأتی بریء من الغالین. ۴۶

۴۲. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۴۹.

۴۳. المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۳؛ باب الحبّ و البغض فی الله.

۴۴. الامالی للصدوق، ص ۱۲.

۴۵. الغارات، ج ۲، ص ۴۰۱ با عبارت: «یَهْلِكُ فِيَّ مُحِبُّ مُفْرَطٍ وَ مُبْغِضٌ مُفْتَرٍ»؛ تفسیر فرات کوفی، ص ۴۰۴، ح ۵۴۰ با عبارت: «وَ يَهْلِكُ فِيَّ رَجُلَانِ؛ مُحِبُّ مُفْرَطٍ وَ مُبْغِضٌ مُفْتَرٍ»؛ غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۴۷، ح ۸ با عبارت: «هَلِكُ فِيَّ رَجُلَانِ؛ مُحِبُّ غَالٍ وَ مُبْغِضٌ قَالٍ»؛ عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۰۰، ح ۱؛ نهج البلاغه، ص ۵۸۸؛ الامالی للطوسی، ص ۲۵۶، ح ۴۶۲ با عبارت: «یَهْلِكُ فِيَّ رَجُلَانِ؛ مُحِبُّ مُفْرَطٍ بِمَا لَيْسَ فِيَّ وَ مُبْغِضٌ يَحْمَلُهُ سَنَانِي عَلَيَّ اِنْ يَبْهَتَنِي».

۴۶. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۵۰.

این فراز از روایت که از امیر المؤمنین علیه السلام نقل شده، در بر دارنده برائت از غالیان است. محتوای این بخش در امالی طوسی با عبارت: «اللهم ائی بریء من الغلاة کبراءة عیسی بن مریم من النصراری»^{۴۷} و در رجال کشی با عبارت: «برآء من هولاء»^{۴۸} قابل مشاهده است.

- روایت سی ام

این حدیث با عبارت: «حمدنی عبدی ... انی اضیف له نعیم الدنیا الی نعیم الآخرة و اذفع عنه بلایا الآخرة کما دفعته عنه بلایا الدنیا»^{۴۹} به دو اثر از آثار حمد خداوند یعنی زیادت نعمت دنیا علاوه بر نعمات اخروی و دفع بلاهای اخروی علاوه بر بلاهای دنیوی اشاره دارد. حدیث مشابه اثر اول در الکافی و تحف العقول^{۵۰} و حدیث مشابه اثر دوم در الکافی و جعفریات^{۵۱} وجود دارد.

- روایت چهل و دوم

بر اساس این حدیث، قرض دادن، دو برابر صدقه دادن اجر دارد. این فضیلت با اعداد و ارقام متفاوت در تفسیر قمی، الکافی، من لا یحضره الفقیه و تهذیب الاحکام آمده است.^{۵۲}

۲/۳. منفردات سازگار با اصول امامیه

دسته دوم از منقولات شیخ صدوق را روایاتی تشکیل می‌دهد که در هیچ منبعی وجود ندارند و حتی از جهت محتوایی نیز نمی‌توان برای آنها مشابهاتی یافت، اما مخالف هیچ اصلی از اصول اعتقادی - اخلاقی امامیه نیستند. معجزات و داستان‌های مرتبط با قوم یهود که بخش قابل توجهی از تفسیر منسوب را تشکیل می‌دهند،^{۵۳} جایگاهی در منقولات شیخ صدوق از این تفسیر ندارند و حتی بخش‌های اخلاقی و کلامی که در ضمن این‌گونه روایات آمده نیز توسط

۴۷. الامالی للطوسی، ص ۶۵۰، ح ۱۳۵۰.

۴۸. رجال کشی، ص ۳۰۶.

۴۹. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۵۸.

۵۰. الکافی، ج ۳، ص ۲۴۲، ح ۱۷۱۶؛ تحف العقول، ص ۳۵۹.

۵۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۵۰، ح ۱۷۳۴؛ الجعفریات (الاشعئیات)، ص ۲۲۰.

۵۲. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۳۵۰؛ الکافی، ج ۷، ص ۲۳۰ و ۲۸۷ و ۲۸۹؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۸، ح ۱۶۹۷؛ تهذیب

الاحکام، ج ۴، ص ۱۰۶، ح ۳۶.

۵۳. ن. که پژوهشی در تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام، ص ۱۵۳ - ۱۶۴.

شیخ صدوق نقل نشده است. در برابر، روایات ۱۰، ۱۱، ۳۲، ۷۲، ۹۹ و ۳۰۴ جزو نقل‌های منفرد شیخ صدوق است. اما این روایات با اصول کلی مذهب امامیه تنافی ندارد.

در بین روایات منفرد، فراز دوم از روایت یازدهم است. جایی که شیخ صدوق در باب «تلبیه» روایتی از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام را نقل کرده^{۵۴} که تنها در منابع عامه دارای مشابه است و هیچ اثری از آن در منابع امامیه نیست. با این حال، بخش یادشده با مبانی امامیه در تعارض نیست. این نکته نشان می‌دهد عملکرد شیخ صدوق نسبت به احادیثی که با تراث حدیثی عامه سازگار است نیز مانند احادیث دیگر است، به نحوی که مخالفت و تعارضی بین این روایت با مبانی کلان امامیه وجود ندارد.

در نهایت به نظر می‌رسد شیخ صدوق بر اساس مجموع قرائن و تحلیل محتوایی، این دسته از روایات را از تفسیر منسوب نقل کرده است.

نتیجه

نتایج تحقیق حاضر به شرح ذیل است:

- سند شیخ صدوق به تفسیر امام حسن عسکری علیه السلام به موجب وجود استرآبادی و دو راوی مجهول مباشر از امام علیه السلام، ضعیف است.
- شیخ صدوق ۱۴ روایت غیر تکراری و مجموعاً ۲۵ روایت از این تفسیر نقل کرده است که همه آنها از منابع رتبه «الف» هستند و روایات امالی که در رتبه «ب» وجود دارد نیز در منابع رتبه «الف» مانند عیون اخبار الرضا و معانی الاخبار تکرار شده‌اند. بر این اساس می‌توان با نگاهی اجمالی و با رویکرد اعتبارسنجی کتاب‌محور (که بخشی از اعتبارسنجی را شامل می‌شود) روایات نقل شده را در زمره روایاتی قلمداد کرد که در رتبه «الف» قرار دارند.
- تتبع در منابع شیخ صدوق نشان می‌دهد که روایات نقل شده، یا بخشی از محتوای آنها و در موارد اندکی به صورت لفظی دارای مشابه‌اند و یا با اصول کلی مذهب امامیه تعارض ندارند.

۵۴. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۲۷.

- در این نوشتار تنها تعیین عملکرد شیخ صدوق نسبت به روایات تفسیر امام حسن
عسکری علیه السلام انجام شد. مطالب این نوشتار به معنای رد یا اثبات اعتبار روایات
نقل شده توسط شیخ صدوق نیست.

کتابنامه

۱. الصحیفة السجّادیة، امام سجّاد علیه السلام، قم، الهادی، اول، ۱۳۷۶ش.
۲. الاحتجاج علی اهل اللجاج، احمد بن علی طبرسی، اول، ۱۴۰۳ق.
۳. الاخبار الدخیله، محمّد تقی شوشتری، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۴۰۱ق.
۴. ارشاد القلوب الی الصواب، حسن بن محمّد دیلمی، قم، دار الشریف الرضی، اول، ۱۴۱۲ق.
۵. اقبال الاعمال، علی بن موسی ابن طاووس، تهران، دار الکتب الاسلامیة، دوم، ۱۴۰۹ق.
۶. الامالی للصدوق، محمّد بن علی ابن بابویه، تهران، کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ش.
۷. الامالی للطوسی، محمّد بن الحسن طوسی، قم، دار الثقافة، اول، ۱۴۱۴ق.
۸. بحار الانوار، محمّد باقر بن محمّد تقی مجلسی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۹. البلد الامین و الدرع الحصین، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، اول،
۱۴۱۸ق.
۱۰. تحف العقول عن آل الرسول، حسن بن علی ابن شعبه حرّانی، قم، جامعه مدرّسین، دوم،
۱۴۰۴ق.
۱۱. التعلیقة علی منهج المقال للاستراآبادی، وحید بهبهانی، چاپ سنگی.
۱۲. تفسیر فرات الکوفی، فرات بن ابراهیم کوفی، تحقیق محمّد کاظم محمودی، تهران، وزارت
ارشاد، اول، ۱۴۱۰ق.
۱۳. تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، تحقیق سیّد طیب موسوی جزایری، قم، دار الکتب،
سوم، ۱۴۰۴ق.
۱۴. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، تحقیق مؤسسه الامام المهدي علیه السلام، قم، مدرسه
الامام المهدي علیه السلام، اول، ۱۴۰۹ق.
۱۵. تنقیح المقال فی احوال الرجال، عبد الله مامقانی، نجف، المطبعة المرتضویة، ۱۳۴۹ق.
۱۶. تهذیب الاحکام، محمّد بن الحسن طوسی، تهران، دار الکتب الاسلامیة، چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۷. الجعفریات، محمّد بن محمّد بن اشعث، تهران، مکتبه النینوی الحدیثة، اول.
۱۸. جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، علی بن موسی ابن طاووس، قم، دار الرضی، اول،
۱۳۳۰ق.
۱۹. خلاصة الاقوال، حسن بن یوسف حلّی، نجف، المطبعة الحیدریة، دوم، ۱۳۸۱ق.

۲۰. دعائم الاسلام، ابن حیون نعمان بن محمد مغربی، تحقیق آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البيت، دوم، ۱۳۸۵ق.
۲۱. الذریعة الى تصانیف الشيعة، آقا بزرگ تهرانی، تهران، مجلس شورای اسلامی، چهارم.
۲۲. الرجال لابن الغضائری، احمد بن حسین واسطی بغدادی، تحقیق محمد رضا حسینی، قم، دار الحدیث، اول، ۱۳۶۴ق.
۲۳. الرجال، ابن داوود حلی حسن بن علی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
۲۴. رساله فی تحقیق فقه الرضا، محمد هاشم ابن زین العابدین چهارسوقی، قم، دار الحدیث.
۲۵. روضة المتّقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محمد تقی مجلسی، تحقیق سیّد حسین موسوی کرمانی علی پناه اشتهدادی، قم، مؤسسه کوشانپور، دوم، ۱۴۰۶ق.
۲۶. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، عبید الله بن عبد الله حسکانی، تحقیق محمد باقر محمودی، تهران، وزارت ارشاد و مجمع احیاء الثقافة الاسلامیة، اول، ۱۴۱۱ق.
۲۷. الصراط المستقیم، سیّد حسین بروجردی، تحقیق غلامرضا مولانا بروجردی، قم، مؤسسه انصاریان، اول، ۱۴۱۶ق.
۲۸. صفات الشيعة، محمد بن علی ابن بابویه، تهران، اول، ۱۳۶۲ش.
۲۹. طبّ الائمّة، ابنا بسطام عبد الله و حسین نیشابوری، قم، دار الشریف الرضی، دوم، ۱۴۱۱ق.
۳۰. علل الشرائع، محمد بن علی ابن بابویه، قم، داوری، اول، ۱۳۸۵ش.
۳۱. عیون اخبار الرضا، محمد بن علی ابن بابویه، تحقیق سیّد مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان، اول، ۱۳۷۸ق.
۳۲. غرر الحکم، عبد الواحد بن محمد تمیمی آمدی، تحقیق سیّد مهدی رجایی، قم، دار الکتاب، دوم، ۱۴۱۰ق.
۳۳. فضائل الاشهر الثلاثة، محمد بن علی ابن بابویه، تحقیق غلامرضا عرفانیان یزدی، قم، نشر داوری، اول، ۱۳۹۶ق.
۳۴. فلاح السائل و نجاح المسائل، علی بن موسی ابن طاووس، قم، بوستان کتاب، اول، ۱۴۰۶ق.
۳۵. مجموعة ورام، ورام بن ابی فراس، قم، مکتبة الفقیه، اول، ۱۴۱۰ق.
۳۶. المزار الکبیر، محمد بن جعفر ابن مشهدی، قم، جامعه مدرّسین، اول، ۱۴۱۹ق.
۳۷. المزار للشهید الاول، محمد بن مکی عاملی، قم، مدرسه امام مهدی علیه السلام، اول، ۱۴۱۰ق.
۳۸. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، میرزای نوری حسین بن محمد تقی، قم، مؤسسه آل البيت، اول، ۱۴۰۸ق.
۳۹. مسند احمد بن حنبل، احمد بن حنبل شیبانی، مصر، دار النشر.
۴۰. مصباح المتّجّد و سلاح المتّعبد، محمد بن حسن طوسی، بیروت، اول، ۱۴۱۱ق.

۴۱. المصباح، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی، قم، دار الرضی، دوم، ۱۴۰۵ق.
۴۲. مصنف ابن ابی شیبة، عبد الله بن محمد ابن ابی شیبة، ریاض، دار الکتوز، اول، ۱۴۳۶ق.
۴۳. مصنف عبد الرزاق، عبد الرزاق بن همّام صنعانی، هند، المجلس العلمی، دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۴. معالم العلماء، محمد بن علی ابن شهر آشوب، نجف، المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰ق.
۴۵. معانی الاخبار، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرّسین، اول، ۱۴۰۳ق.
۴۶. معجم رجال الحدیث، سیّد ابو القاسم خویی، قم، منشورات مدیة العلم، سوم، ۱۴۰۳ق.
۴۷. مفتاح الفلاح، محمد بن حسین بهایی عاملی، بیروت، دار الاضواء، اول، ۱۴۰۵ق.
۴۸. المقنعة، شیخ مفید محمد بن محمد، قم، کنگره جهانی شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ق.
۴۹. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی، قم، دار الشریف الرضی، چهارم، ۱۴۱۲ق.
۵۰. من لا یحضره الفقیه، محمد بن علی ابن بابویه، قم، جامعه مدرّسین، دوم، ۱۴۱۳ق.
۵۱. منتهی المقال فی احوال الرجال، ابو علی حایری، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۶ق.
۵۲. منیة المرید، شهید ثانی زین الدین ابن علی، قم، بوستان کتاب، اول، ۱۴۰۹ق.
۵۳. مهج الدعوات و منهج العبادات، علی بن موسی ابن طاووس، قم، دار الذخائر، اول، ۱۴۱۱ق.
۵۴. نقد الرجال، سیّد مصطفی تفرشی، قم، مؤسسه آل البيت، اول، ۱۴۱۸ق.
۵۵. نهج البلاغة، شریف رضی، تحقیق صبحی صالح، قم، نشر هجرت، اول، ۱۴۱۴ق.
۵۶. مقاله رساله حول التفسیر المنسوب الی الامام العسکری علیه السلام، مجله نور علم، ش ۱، سال دوم.